

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۳، ص ۸۵-۱۰۶

## زمینه‌ها و علل اقتصادی گرایش به فاطمیان در آفریقای غرب

دکتر محمدعلی چلونگر\*

تشکیل خلافت فاطمیان به سال ۲۹۷ قمری در آفریقای<sup>(۱)</sup> عوامل و زمینه‌های متعددی داشته است. در بین این عوامل، زمینه‌های اقتصادی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که اهمیت آن کم‌تر از عوامل دیگر نیست. در این مقاله اوضاع اقتصادی و نقش آن در تشکیل خلافت فاطمیان بررسی می‌شود. برخی از عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر تشکیل خلافت فاطمی، به اوضاع آفریقای غرب در نیمه‌ی دوم قرن سوم قمری و بخشی به عملکرد فاطمیان در دوران دعوت و قیام باز می‌گردد که در این مقاله هر دو دسته عوامل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: فاطمیان، آفریقای غرب، دعوت، اوضاع اقتصادی.

\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

### اوضاع اقتصادی افریقاییه و مغرب در آستانه‌ی قیام فاطمیان

اوضاع اقتصادی این منطقه، در دوران بعد از اسلام تا تشکیل خلافت فاطمیان، به سه دوره تقسیم می‌گردد:

- از ورود اسلام تا تشکیل حکومت‌های مستقل؛

- از تشکیل حکومت‌های مستقل تا اواسط سده‌ی سوم؛

- نیمه‌ی دوم سده‌ی سوم.

وضعیت اقتصادی مغرب و افریقاییه در دوره‌ی اول، با اوضاع اقتصادی در نیمه‌ی دوم قرن سوم و در آستانه‌ی قیام فاطمیان شباهت‌های زیادی دارد. برای تبیین عوامل اقتصادی زمینه‌ساز قیام فاطمیان، لازم است اوضاع اقتصادی مغرب و افریقاییه تا اواسط قرن سوم را به اختصار بررسی کنیم.

#### از ورود اسلام تا تشکیل حکومت‌های مستقل

سرزمین مغرب و افریقاییه در این دوران از وضع اقتصادی مطلوبی برخوردار نبود. حملات اعراب، قیام‌های پیوسته‌ی بربرها و خوارج علیه حکامشان، غارتگری‌های ساکنان کوهستان و صحرائشینان در شهرها و دشت‌ها، سرمایه‌های عظیمی که از مغرب و افریقاییه به دربار خلفا سرازیر می‌شد و فتنه‌ها و شورش‌هایی که شعله‌ی آن سراسر منطقه را فرا گرفته بود همه از اسباب وضعیت نامطلوب اقتصادی بودند.

در این میان شورش‌هایی مثل شورش کسبیه و کاهنه<sup>(۲)</sup> و خوارج صفریه و اباضیه موجب رکود زراعت و صنعت و تجارت در مغرب و افریقاییه گردیده بود. درخت‌ها به آتش کشیده شد و قلعه‌های مابین طَرَائِلس و طَنْجَه تخریب گردید.<sup>(۳)</sup> بر اثر تخریب بلاد و مناطق زراعتی، بسیاری از ساکنان آن‌جا به اندلس مهاجرت کردند؛ زیرا می‌دیدند در آن‌جا مکانی برای کسب روزی و زندگی نیست.<sup>(۴)</sup>

تمام تلاش‌های والیان در دو قرن اول به فرونشاندن این شورش‌ها معطوف شد و اموال و ذخایر عظیمی در این راه هزینه گردید.<sup>(۵)</sup> بعد از گذشت نیم قرن از این شورش‌ها وضعیت اقتصادی شدیداً لطمه دید.

بدون تردید، مسئولیت والیان در ایجاد این اوضاع کم‌تر از مسئولیت خوارج و بربرها نبود. در بین خوارج، صفریه بیش‌تر از اباضیه در ایجاد این اوضاع سهم داشتند؛ زیرا جنگ‌های آنان همراه با غارت اموال و آتش زدن شهرها و مزارع بود. نمونه‌ی این اعمال را می‌توان در محاصره‌ی شهر طنجه (۱۲۳ق) توسط بلج بن بشر و یارانش<sup>(۶)</sup> و در قیروان (۱۳۸ق) دید.<sup>(۷)</sup> در این جنگ‌ها تعداد زیادی کشته شدند که مورخین اتفاق بر کثرت آنان دارند.<sup>(۸)</sup> افزون بر این مصایب، امراض مسری نیز تعداد کثیری را به کام مرگ کشید.

این حوادث موجب وخامت اوضاع اقتصادی و قحط و غلای شدیدی شد؛ تا آن‌جا که مردم برای زنده ماندن به خوردن حیوانات بارکش، سگ، پوست و علف روی آوردند.<sup>(۹)</sup> والی افریقیه در اثر اوضاع نامطلوب اقتصادی مغرب و افریقیه، مجبور شد برای سر و سامان دادن اوضاع دست‌کمک به سوی مصر دراز کند، ولی این کمک‌ها نتوانست اوضاع اقتصادی افریقیه و مغرب را سر و سامان دهد؛ زیرا تمام کمک‌ها صرف تحکیم موقعیت حکام و موقعیت دفاعی شهرها و برپایی دژها و باروها گردید.<sup>(۱۰)</sup> ظاهراً والیان افریقیه اهتمامی به اصلاح اقتصادی آن نواحی نداشتند، اما بعد از آن‌که شورش‌های خوارج و دیگر مدعیان قدرت در آن منطقه فروکش کرد، تلاش‌هایی برای بهبود و اصلاح وضع اقتصادی در دوره‌ی محمد بن اشعث، والی عباسیان (۱۴۳ - ۱۴۸ق) انجام گرفت، ولی عمر این اصلاحات کوتاه بود.<sup>(۱۱)</sup> با حرکت وی به شرق مجدداً شورش‌های خوارج شدت گرفت و وضعیت مانند قبل شد.

تأثیرات نامطلوب شورش‌های خوارج بر اوضاع اقتصادی افریقیه از تلاش‌های یزید بن حاتم (۱۵۴ - ۱۷۰ق) والی دیگر افریقیه، در مواجهه با گرسنگی و قحطی و مشکلات اقتصادی روشن می‌شود. او اهتمام زیادی به کشت و زرع زمین‌ها مصروف داشت و غلات

این زمین‌ها را در اختیار مردم قحطی‌زده قرار داد<sup>(۱۲)</sup> و گوسفندان و شتران زیادی را ذبح و میان رعیت تقسیم کرد. یزید برای بهبود اوضاع اقتصادی، تلاش وسیعی در زمینه گسترش جزف و صنایع و برپایی بازارها انجام داد.<sup>(۱۳)</sup> این اقدامات و تلاش‌ها نیز نتوانست اوضاع اقتصادی را بهبود بخشد؛ زیرا می‌بینیم بسیاری از والیان قیروان از پرداخت حقوق و عطایای لشکریان‌شان ناتوان بودند.<sup>(۱۴)</sup>

این شرایط بحران زده‌ی اقتصادی تا استقرار دولت‌های مستقل تداوم داشت.

#### اوضاع اقتصادی افریقای غرب در عصر دولت‌های مستقل تا اواسط قرن سوم

با استقرار دولت‌های مستقل و برقراری آرامش، مغرب و افریقای غرب شاهد تغییر و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی شد. این بهبود اقتصادی در تمام نواحی منطقه در محدوده‌ی حکومت‌های اغلبیانی (۱۸۴ - ۲۹۶ ق)، ادرسیانی (۱۷۲ - ۳۶۴ ق) و دولت خارجی مذهب رستمیان (۱۶۰ - ۲۹۶ ق) و بنی مدرار (۱۴۰ - ۳۵۲ ق) نمودار گردید.

آنچه در کتب تاریخی و مسالک و ممالک از شکوفایی اقتصادی مغرب و افریقای غرب بیان کرده‌اند عمدتاً مربوط به این دوره از تاریخ مغرب و افریقای غرب است. مغرب و افریقای غرب از زمان رومی‌ها به بعد در هیچ دوره‌ای چنین شکوفایی به خود ندیده بود؛ مزارع امنیت لازم را برای زراعت به دست آوردند<sup>(۱۵)</sup> و شکوفایی اقتصادی مغرب حتی به فریاد مردم قحط زده‌ی اندلس رسید. بر اثر قحط و غلا در اندلس (۲۳۲ ق) چهارپایان بسیاری هلاک شدند و درختان و زمین‌های زراعی خشکید و قیمت‌ها بالا رفت؛ در این احوال مغرب از چنان وضعی برخوردار بود که نتوانست به اندلس یاری برساند.<sup>(۱۶)</sup>

در سایه‌ی امنیت ایجاد شده در دوران اغلبیانی تا اواسط قرن سوم، محصولات کشاورزی افزایش یافت. یعقوبی از سرسبزی و کثرت درختان در منطقه‌ی قعوده تا ساحل سخن می‌گوید:

در آن جا زیتون و نخل و انگور به صورت فراوان کشت می شد و در شمال منطقه‌ی قعوده کشت حبوبات رایج بود.<sup>(۱۷)</sup>

به فضل زیادی معادن، صنایع در این عصر شکوفا شد؛ به ویژه صنعت کشتی سازی و شمشیر و زین و لگام اسبان و صنایع شیشه‌ای رونق گرفت. در قیروان، محله‌ای خاص شیشه‌گران بود.<sup>(۱۸)</sup>

### اوضاع اقتصادی افریقه از اواسط قرن سوم تا پایان قرن سوم

در اواخر قرن سوم بر اثر عوامل انحطاط، که قبلاً بدان اشاره شد، آرامش نسبی بار دیگر از جامعه‌ی افریقه رخت بر بست و به دنبال آن تغییراتی در اوضاع اقتصادی منطقه به وجود آمد که شباهت زیادی به دوران قبل از تشکیل دولت‌های مستقل داشت. این اوضاع اقتصادی بستر مناسبی برای قیام فاطمیان فراهم ساخت.

در اواخر قرن سوم مجدداً بحران اقتصادی همه‌جانبه و فراگیر شد. این بحران بیش تر در افریقه و در مناطق تحت نفوذ اگلیبان بود. به دنبال آن، جنگ داخلی شدت گرفت و آسایش و رفاه از شهرها و روستاها رخت بر بست. در این سال‌ها خشک‌سالی و گرانی، که قسمتی بر اثر عوامل طبیعی و قسمتی حاصل عملکرد حکام بود، بر افریقه سایه افکند. ابن ابی زرع نمونه‌هایی از این قحطی‌ها را که از ۲۵۳ قمری آغاز شد و تا سال ۲۶۵ قمری ادامه یافت، بیان می‌کند.

در این بین قیمت‌ها بالا رفت و شمار زیادی تلف شدند. مشابه این قحطی در سال ۲۸۵ قمری نیز رخ نمود که گفته‌اند بعضی مردم به مردارخواری روی آوردند. همراه قحطی امراض کشنده هم‌گریبان‌گیر مردم شد. جمعیت مردگان به حدی زیاد شد که چندین نفر را بدون غسل و نماز در یک قبر قرار می‌دادند.<sup>(۱۹)</sup>

آنچه ابن خلدون در مقدمه راجع به وضعیت نامطلوب اقتصادی دولت‌ها بیان می‌دارد،<sup>(۲۰)</sup>

در مورد افریقاییه در آستانه‌ی قیام فاطمیان صدق می‌کند. به علت خراج سنگینی که قرار داده شده بود و همچنین بروز فتنه‌ها و آشوب‌های مختلف قبایل بربر، کشاورزی رونق قبلی خود را از دست داده و بسیاری از سرزمین‌هایی که قبلاً کشت می‌شد رها شده بود.

بر اثر بحران، وضعیت پولی و مسکوکات رایج شدیداً ضربه دید. در دوره‌ی ابراهیم دوم اغلیبی در موقع جنگ با طولونیان (۲۶۷ق) اختلالی در گردش درهم‌ها و دینارها به وجود آمد که ادامه‌ی جنگ با طولونیان را مشکل ساخت. ابراهیم دوم برای رفع بحران پولی حتی مجبور شد زیورآلات زنانش را تبدیل به درهم و دینار کند. با توجه به مشکلات اقتصادی، ضرب این درهم و دینارها احتمالاً همراه با کاهش عیار بوده است.

ابراهیم که در جنگ با طولونیان تمام اموال و ذخیره‌های پولی خود را هزینه کرده بود، بعد از پیروزی در صدد جبران آن برآمد و دستور داد کلیه‌ی اموال طولونیان که در صحنه‌ی جنگ باقی مانده بود جمع‌آوری شود و هر چه و به هر مقدار نزد لشکریان می‌یافت با شدت عمل تصاحب می‌کرد. ابن عذاری بیان می‌دارد:

بسیاری از لشکریان چون شدت عمل ابراهیم دوم را دیدند به صورت پنهانی هر مقدار از اموال را که در اختیار داشتند فروختند.<sup>(۲۱)</sup>

وضعیت نامناسب پولی موجب بحران و شورش دیگری در سال ۲۷۴ قمری شد که به نام شورش دراهم شهرت یافت. این بحران بر اثر بی‌تدبیری ابراهیم دوم ایجاد شد و به شورش‌ها دامن زد و بحران سیاسی و اقتصادی بزرگی پدید آورد. شورش از آن‌جا آغاز شد که ضرب‌خانه‌ی دولت همراه سکه‌های گذشته، سکه‌های کم‌بهایی از جنس مس به نام «صحاح» ضرب کرد. این اقدام باعث شد مردم دست به شورش بزنند و علیه ابراهیم اجتماع کنند. این شورش که به تسلیم ابراهیم دوم در برابر مردم و خارج کردن سکه‌های مسین از دور معاملات و ضرب درهم جدیدی به نام «عاشری» انجامید<sup>(۲۲)</sup> حکومت را در موضعی انفعالی قرار داد.

وضعیت خراج و مالیات عامل دیگر بحران اقتصادی بود. با انحطاط و ضعف اغلیبان سیاست مالیاتی آنان در اخذ مبالغ بیش تر با شدت عمل اجرا شد. طبق این سیاست، آنان موارد جدیدی از عوارض و مالیات وضع کردند که اهالی قادر به پرداخت آن نبودند. در اواخر حکومت اغلیبان، خراج و مالیات، که عمدتاً برای تأمین لشکرکشی‌ها علیه شورشیان و فتوحات در مناطقی مثل صقلیه جمع‌آوری می‌گردید، بسیار بیش تر از دوران والیان بود. مأموران وصول مالیات در اخذ آنها بیداد می‌کردند. در مواردی مأمور وصول مالیات تعهدی به امیر اغلی می‌سپرد که به موجب آن موظف بود مستقیماً مبلغ معینی به نام خراج جمع‌آوری نماید و به امیر اغلی بپردازد.<sup>(۲۳)</sup> در این موارد مأمور هر چه می‌خواست به میل و تشخیص خود، گاه مازاد بر آنچه تعهد سپرده بود، دریافت و به نفع خود برداشت می‌کرد. مبالغ زیادی که اغلیبان از طریق خراج یا طرق دیگر به دست می‌آوردند عمدتاً هزینه‌ی لشکرکشی‌های آنان علیه شورش‌هایی می‌شد که به عملکرد آنان معترض بودند.

این وضعیت، جامعه‌ی افریقیه را دست‌خوش تغییرات اقتصادی کرد و در بین طبقاتی که از این وضعیت ناراضی بودند زمینه‌ی مساعدی برای تبلیغات فاطمیان فراهم شد.

### سیاست مالی و اقتصادی ابو عبدالله شیعی در دوران قیام

شیوه‌ها و روش‌های مالی و اقتصادی ابو عبدالله شیعی در دوران دعوت در جذب بربرها بسیار مؤثر بود. سیاست اقتصادی وی نقطه‌ی مقابل سیاست اقتصادی اغلیبان بود. ابو عبدالله دریافتن بود که یکی از عوامل اصلی انزجار مردم از اغلیبان شیوه‌های مالی و اقتصادی آنان است.<sup>(۲۴)</sup> او برای جلب قلوب عامه سیاست اقتصادی اغلیبان را نپسندید. نظر او این بود که این شیوه بدعت و مخالف با سیره‌ی سلف صالح است. ابن عذارى بیان می‌دارد:

در سال ۲۹۳ قمری وقتی ابو عبدالله به شهر بلزمه و طنبه دست یافت مالیات‌هایی که جمع‌آوری شده بودند نزد او آوردند، وی از مأموران مالیاتی پرسید: این اموال چیست؟ پاسخ

دادند: این‌ها خراج عَشْر است. ابو عبدالله به جمعی از افراد مورد اعتماد طَبَنه فرمان داد اموال را به صاحبان آن‌ها بازگردانند و مردم را آگاه گردانند که آنان امین مردم در اموالی هستند که خداوند از زمین برای آن‌ها خارج کرده است؛<sup>(۲۵)</sup> هم‌چنین اعلام شود که اخذ و پخش مالیات عشر بر اساس کتاب الله خواهد بود.

در موردی دیگر از فردی که اموالی به نزد او آورده بود پرسید: این مال از کجاست؟ مرد جواب داد: جزیه‌ی سال گذشته‌ی یهود و نصار است. ابو عبدالله گفت: چگونه جمع‌آوری کردی؟ مرد جواب داد: به همان شیوه‌ای که عمر اخذ می‌کرد. در این موقع ابو عبدالله شیوه‌ی او را تأیید کرد و به داعیان گفت: پس می‌توانید این مال را بین اصحاب تقسیم کنید.<sup>(۲۶)</sup> ابن عذاری در ادامه نقل می‌کند:

به کسانی که مال خراج را نزد او آورده بودند گفت: در این مال خیری نیست؛ زیرا بر اموال مسلمین خراج نیست؛ و به معتمدان طَبَنه دستور داد که این اموال را به صاحبانش باز گردانند.<sup>(۲۷)</sup>

این سیاست مالی ابو عبدالله اثر نیکویی در میان اهالی افریقیه داشت. ابن عذاری می‌گوید: وقتی اهالی طَبَنه، عملکرد مالی ابو عبدالله را دیدند مسرور گردیدند و امیدوار شدند که او کتاب و سنت را در میان آنان اعمال خواهد کرد. خبر عملکرد او در سراسر افریقیه منتشر شد و مردم متمایل به ابو عبدالله شدند و با او مکاتبه کردند.<sup>(۲۸)</sup>

عملکرد مالی ابو عبدالله توجه اغلبیان را به خود جلب کرده بود. آنان متوجه این نکته شده بودند که ادامه‌ی این سیاست، موجب دل‌سردی بیش‌تر مردم از حکومت اغلبیان خواهد شد. ابن عذاری باز نقل می‌کند:

وقتی اخبار سیاست مالی ابو عبدالله به زیاده‌الله سوم رسید حزن و اندوه او را فرا گرفت.<sup>(۲۹)</sup>

مسلماً حزن و اندوه او برای از دست دادن پایگاه مردمی‌اش از یک سو و گرایش هر چه



بیش تر مردم به فاطمیان از سوی دیگر بوده است. زیاده الله سوم به جای تغییر سیاست اقتصادی اش به رجال و سیاستمداران دستور داد در منابع ابو عبدالله را لعن و نفرین کنند<sup>(۳۰)</sup> تا از این طریق او را از چشم و دل مردم بیفکند.

ابو عبدالله سعی می کرد با بزرگنمایی مشکلات اقتصادی اغلبیان وضع را بحرانی تر از آنچه بود جلوه دهد و در واقع زمینه را برای نارضایی عمومی از اغلبیان فراهم سازد. او می دانست که از عوامل موفقیت فاطمیان تشدید معضلات و مشکلات اقتصادی اغلبیان است. تداوم این وضع امید به پیروزی را بیش تر خواهد کرد. قاضی نعمان بیان می دارد:

بعد از آن که خبر مرگ ابراهیم بن احمد والی اغلبی به ابو عبدالله رسید حالت وی، در جلسه ای که با سران و مشایخ کتامة داشت، از ناراحتی و ناآرامی اش خبر می داد؛ بعد از اتمام جلسه عده ای از مشایخ علت ناراحتی او را پرسیدند. ابو عبدالله گفت: خبر رسیده که ابراهیم بن احمد اغلبی مرده است. گفتند: این خبر که باید موجب شادی باشد. ابو عبدالله در پاسخ گفت: من از مرگ او ناراحت نیستم، بلکه از رفتاری که فرزندش در مسائل مالی پیش گرفته ناراحتم؛ او تمام اموال غصبی پدرش را بازگردانده و برای مظالم به دادخواهی نشسته است؛ با این کار قلوب مردم را به طرف خود جلب می کند.<sup>(۳۱)</sup>

برقراری امنیت اقتصادی از اقدامات ابو عبدالله در افریقه بود که تأثیر بسزایی در جلب قلوب عامه داشت؛ وی در مناطقی که فتح می کرد بی درنگ امنیت را برقرار می نمود؛ او موفق شد امنیت راه، حتی در مناطق دور از مرکز که در گذشته ناامنی در آن حاکم بود، برقرار کند. این عمل موجب گسترش ارتباط تجاری و تسریع در حرکت اقتصادی افریقه شد.<sup>(۳۲)</sup> بر اثر ایجاد امنیت، مهاجرت های گسترده ای به بعضی از شهرهای تحت نفوذ ابو عبدالله صورت گرفت. این مهاجرت ها موجب شکوفایی اقتصادی این نواحی شد. ایکجان و تازروت، که به دارالهجرة معروف شده بودند، مرکز مهاجرت اسماعیلیه و هواداران فاطمیان از نقاط مختلف افریقه شدند و این خود از عوامل شکوفایی اقتصادی این شهرها بود.<sup>(۳۳)</sup>

ابوعبدالله شیعی در بین اسماعیلیان و هواداران فاطمیان در افریقایه روابط اقتصادی و مالی بر پایه‌ی تعاون و همکاری ایجاد کرد. او روح همکاری بین مؤمنین را در اجتماع کتامة در زمینه‌ی مالی به کار گرفت. در این اجتماع یک اسماعیلی مالش را فقط برای خود نمی‌خواست. به گفته‌ی قاضی نعمان:

هیچ امتی همانند این اجتماع نبود و در گذشته و در هیچ قرنی گروهی همانند آنان دیده نشده است. (۳۴)

سیاست اقتصادی و مالی ابوعبدالله، که از عوامل زمینه‌ساز گرایش به فاطمیان در افریقایه بود، تا زمان تشکیل خلافت تداوم یافت. بعد از تشکیل خلافت دگرگونی‌هایی در سیاست مالی و اقتصادی فاطمیان به وجود آمد که این تغییرات مخالف سیاست‌های دوران قیام بود. عبیدالله مهدی روشی همانند روش عباسیان در پیش گرفت که با اعتراضات گسترده‌ای از جانب بربرها روبه‌رو شد. (۳۵)

سیاست اقتصادی دوران قیام برگرفته از اصول مساوات‌جویانه‌ی اسماعیلیه و قرامطه بود؛ (۳۶) در حالی که سیاست اقتصادی دوران استقرار، تحمیل مالیات‌های سنگین و کمرشکن و پشت‌پازدن به شعارهای قبلی بود. از مهم‌ترین عوامل همراهی بربرها با قیام خوارج علیه فاطمیان، اتخاذ این سیاست و روش بود که با شعارها و عملکردهای پیشین آنان مغایرت داشت و حامیان اصلی نهضت را آزرده و خشمگین ساخت.

قاضی نعمان بیان می‌دارد:

وقتی عبیدالله مهدی بعد از آزادی از زندان سجلماسه به رقاده به بلاد کتامة رسید، ابراز تمایل کرد که به ایکجان (دارالهجرة فاطمیان در دوران قیام) برود. در آن جا فرمان داد اموال و ذخایری که در دست دعوات و مشایخ بود و آنان برای حفاظت آن‌ها را در زمین پنهان کرده بودند در اختیار وی قرار گیرد. کتامة‌ی‌ها خشمگین شدند؛ (۳۷)

زیرا گمان می‌کردند که سهمی در این اموال دارند چون با نیروی بازو و شمشیر آنان به

دست آمده بود و سال‌ها از این اموال حفاظت کرده بودند؛ کتami‌ها این عمل عبیدالله را مغایر با نیت مالی ابو عبدالله شیعی می‌دیدند و به همین دلیل لب به انتقاد گشودند؛ ولی عبیدالله مهدی بعداً با شدت عمل به انتقادات آنان جواب داد.<sup>(۳۸)</sup>

ابن عذارى می‌گوید:

وقتی عبیدالله مهدی وارد قیروان شد، فقها و بزرگان قیروان به نزد او آمدند و به او تبریک گفتند و از این‌که فاطمیان بر اغلبیان پیروز شده‌اند ابراز شادمانی کردند و از او امان خواستند؛ عبیدالله مهدی در جان‌ها و فرزندان امان داد، ولی ذکری از اموال نکرد؛ عده‌ای مجدداً نزد او بازگشتند و درخواست امان در اموال کردند؛ اما عبیدالله درخواست آن‌ها را نپذیرفت که موجب وحشت آنان شد.<sup>(۳۹)</sup>

منابع به موضع‌گیری ابو عبدالله در برابر سیاست مالی و اقتصادی عبیدالله مهدی بعد از به خلافت رسیدن او و به خصوص شیوه‌ی وی در جلب یاران با اعطا و بخشش‌های زیاد اشاره‌ای نمی‌کنند، ولی می‌دانیم این تصرفات یکی از اسباب اصلی اختلافات آن دو بود که سرانجام به تیرگی روابطشان انجامید؛ ابو عبدالله که این شیوه را صحیح نمی‌دانست به مهدی می‌گفت:

اعطای اموال به شیوخ زمینه‌ساز فساد آنان می‌شود.<sup>(۴۰)</sup>

پشت‌پازدن فاطمیان به آرمان‌های دوران قیام، از جمله آرمان‌های اقتصادی، موجب از دست رفتن حامیان اصلی نهضت در افریقه و مغرب شد و اعتراضات گسترده‌ای در پی داشت و زمینه‌ی ناپایداری فاطمیان را در افریقه فراهم آورد.

#### نقش اموال و خزاین فاطمیان در گسترش دعوت

لازمه‌ی استمرار قیام گسترده‌ی اسماعیلیان در قرن سوم قمری در مناطق مختلف عالم اسلامی، قدرت اقتصادی و وجود پشتوانه‌ی مالی گسترده بوده است. به نظر می‌رسد که بدون تشکیلات مالی و اموال و ذخایری که این قیام را از نظر اقتصادی حمایت کند، دستیابی

سریع به اهداف سیاسی مورد نظر ممکن نبود. رهبران اسماعیلی سلمیه با شناخت این معضل از طرق مختلف با جمع‌آوری اموال و ذخایر، پشتوانه‌ی اقتصادی قیام را از قبل مهیا کرده بودند. منابع، از وجود اموال و ذخایر مالی عظیمی در نزد رهبران اسماعیلی در سلمیه گزارش می‌دهند<sup>(۴۱)</sup> که رهبری قیام این اموال را بعداً به افریقاییه و مغرب انتقال دادند. وجود این دارایی‌ها زمینه‌ی گسترش دعوت را در مغرب و افریقاییه فراهم کرد. از وظایف مهم داعیان در دوران دعوت، جمع‌آوری اموال از مناطق مختلف و ارسال آن‌ها نزد امام در سلمیه بوده است. جعفر حاجب، که خود شاهد و در خدمت عبیدالله مهدی بوده است، معلومات ارزشمندی در این مورد در اختیار ما می‌گذارد. او می‌گوید:

داعیان اموال را از هر شهری جمع می‌کردند و به نزد مهدی در سلمیه می‌فرستادند. مهدی سردابی به طول دوازده میل در خانه‌اش حفر کرده بود. اموال و ذخایر بر شتر حمل و شبانه به داخل سرداب انتقال داده می‌شد. بعد از تخلیه‌ی بار شتر، در سرداب با خاک پوشانده می‌شد؛ به نحوی که احدی نمی‌توانست مکان آن اموال را بیابد. این اموال به حدی زیاد بود که گفته‌اند با اموال عبیدالله مهدی در دوران خلافت برابری می‌کرده است<sup>(۴۲)</sup> و از اموال خلیفه‌ی عباسی بیش‌تر بوده است. مهدی قسمتی از این اموال را در راه کسب یاران و رهایی از دست والیان در مسیر مغرب به کار برده بود.<sup>(۴۳)</sup>

اگر چه به نظر می‌رسد در مقدار اموال فاطمیان در دوران دعوت اغراق شده باشد، ولی حاکی از گستردگی اموال و ذخایر ایشان در آن دوران است که به پشتوانه‌ی آن توانستند قیام خود را بر ضدّ عباسیان در نقاط مختلف، از جمله مغرب و افریقاییه، با موفقیت دنبال کنند. هنگامی که عبیدالله مهدی مجبور شد سلمیه (مرکز دعوت) را رها کند و به طرف مصر برود، فرصت نیافت اموال و ذخایر را با خود حمل کند؛ و چون نگران اموال بر جا مانده بود و می‌دانست که بنیه‌ی مالی دعوت وابسته به این اموال است، به یکی از پیروانش فرمان داد به سلمیه باز گردد و خانه‌های علویان را خراب کند و جوی آبی را که اموال در زیر آن قرار داده

شده بود ببندد<sup>(۴۴)</sup> تا جای اموال پنهان بماند<sup>(۴۵)</sup> و او بتواند این اموال را بعداً به افریقیه انتقال دهد.

در بین راه عبیدالله هر جا با مشکل روبه‌رو می‌شد با اعطای مبالغی زیاد خود و یارانش را نجات می‌داد.<sup>(۴۶)</sup> عبیدالله مهدی بعد از ورود به مغرب و استقرار در سجلماسه، علاوه بر دارایی‌های قبلی، اموالی هم از جانب ابو عبیدالله شیعی دریافت می‌کرد. بنابر روایت ابن عذارى به نقل از فردی هاشمی که همراه عبیدالله مهدی در سجلماسه بود، این اموال از دینارهای رایج در سجلماسه نبود، بلکه از دینارهای اغلبی بود<sup>(۴۷)</sup> و این نشان می‌دهد ابو عبیدالله هنگامی که در بین کتamy‌ها در منطقه‌ی حاکمیت اغلبیان بود آن‌ها را فرستاد.

فاطمیان اموال و دارایی‌هایی را که در دوران دعوت در اختیار داشتند از طرق مختلف به دست می‌آوردند. پیروان اسماعیلیه یا از سر ایمان به این که این اموال به اهل بیت داده می‌شود و در واقع عمل خیری است که قرآن آن را مدح کرده است این اموال را پرداخت می‌کردند، یا این کار را در شمار اعمال نیکی می‌دانستند که برای انسان محاسبه می‌گردد، و یا برای این که در فردای تشکیل حکومت به فریاد آنان خواهد رسید و آنان نصیبی از حکومت خواهند برد. فاطمیان در دوران دعوت این اموال را تحت چند عنوان جمع می‌کردند:

۱. خمس اموال. بر افراد اسماعیلی که در نقاط مختلف عالم اسلامی زندگی می‌کردند واجب بود خمس اموالی را که مالک هستند یا کسب می‌کنند به امام اسماعیلی بپردازند و از همین جا عنوان خمس در کتب فقهی قاضی نعمان (فقیه فاطمیان) وارد شد. در واقع، نظریه‌ای که قاضی نعمان در کتاب دعائم الاسلام<sup>(۴۸)</sup> و کتاب الهمة فی آداب اتباع الائمة<sup>(۴۹)</sup> در مورد خمس اموال بیان می‌دارد مبتنی بر عملکرد پیروان مذهب اسماعیلی در طول دوران ستر و قیام در افریقیه و مناطق دیگر است. همین شیوه بعد از تشکیل خلافت فاطمیان اعمال شد. یکی از درآمدهای خلافت فاطمیان همین خمس بود که پیروان اسماعیلی برای آن‌ها ارسال می‌کردند.<sup>(۵۰)</sup>

بدون شک این وجوهات چه در دوران قیام و چه در دوران خلافت تنها بر عهده‌ی پیروان اسماعیلی بوده است؛ زیرا اگر پرداخت این مالیات شرعی شامل پیروان غیر اسماعیلی افریقای غربی نیز می‌بود، مسلماً آنان واکنش نشان می‌دادند؛ چنان که در مواردی بعضی از اعمال فاطمیان را بدعت دانستند و واکنش نشان دادند؛ هم‌چنین ما در منابع اهل سنت مغرب و افریقای غربی ذکر می‌کنیم و این نشان می‌دهد که وجوب آن به پیروان اسماعیلی منحصر بوده است.

از بعضی از نوشته‌های قاضی نعمان به دست می‌آید که پرداخت این مالیات شرعی بر بعضی از پیروان اسماعیلی سنگین بوده است؛ زیرا قاضی نعمان در جاهای مختلف آنان را در پرداخت خمس دعوت به صبر می‌کند و آن را امتحانی الهی معرفی می‌نماید.<sup>(۵۱)</sup>

۲. نوعی مالیات شرعی دیگر به نام «دینار الهجرة» و «درهم الفطرة» بود. این نوع مالیات را حمدان بن اشعث رهبر اسماعیلیان وضع کرده بود<sup>(۵۲)</sup> و ابو عبدالله شیعی از افرادی که داخل دعوت اسماعیلیان می‌شدند آن را دریافت می‌کرد. پیروان اسماعیلی دینار الهجرة را به امام می‌دادند و این مالیات برای رفع نیاز اولیایی بود که از مناطق و جزایر مختلف به دار الهجرة مهاجرت می‌کردند؛<sup>(۵۳)</sup> و درهم الفطرة<sup>(۵۴)</sup> مالیاتی بود که تازه‌واردان مذهب اسماعیلی پرداخت می‌کردند.<sup>(۵۵)</sup>

اطلاعات دقیقی از مقدار و کیفیت این نوع مالیات در منابع نیست. تنها اشاراتی ضمنی در بعضی مآخذ در این مورد می‌توانیم به دست آوریم. در نامه‌ای که زیاده‌الله سوم اغلبی بر ضد فاطمیان در افریقای منتشر کرده و فرمان داده بود در جایگاه‌های عمومی قرائت شود، نکاتی راجع به مالیات‌های فاطمیان مطرح شده بود که وی از آن‌ها با عنوان مالیات غیر شرعی نام می‌برد.<sup>(۵۶)</sup> گمان می‌رود منظور زیاده‌الله سوم از این مالیات‌های غیر شرعی دینار الهجرة و درهم الفطرة بوده که برای آنان ناشناخته بوده است.

۳. غنائیم. غنائیم در اختیار مشایخ کتامة قرار می‌گرفت و ابو عبدالله هیچ دخل و تصرفی در

آن‌ها نمی‌کرد. این اموال را مشایخ کتامة بعد از آن‌که عبیدالله مهدی از سجلماسه به ایکجان آمد تحویل او دادند.<sup>(۵۷)</sup> رؤسای کتامة ابتدا تصور می‌کردند این اموال متعلق به آن‌هاست. به اعتقاد قاضی نعمان همین تصور از اسبابی بود که بعداً رؤسای کتامة را به فساد و توطئه کشانید.<sup>(۵۸)</sup>

۴. هدایای پیروان اسماعیلی به صورت پول یا اجناس برای امام. داعیان که از نقاط مختلف عالم به حضور امام اسماعیلی می‌آمدند، هدایایی نیز با خود می‌آوردند. این نوع درآمد بعد از آن‌که خلافت فاطمیان شکل گرفت بیش‌تر شد. بزرگان و رجال دولت واجب می‌دیدند وقتی که بر امام وارد می‌شوند هدایایی را به او تقدیم دارند. جوذر خادم، که رتبه‌ای والا در نزد خلفای فاطمی افریقیه داشت، بیش از ده هزار دینار را برای تقرب به حضور سومین خلیفه‌ی فاطمی اهدا کرد.<sup>(۵۹)</sup>

۵. صدقات. قاضی نعمان تحت عنوان صدقات از اموالی که اخذ آن از مؤمنین و مؤمنات بر ائمه‌ی صادقین واجب است یاد می‌کند و به ذکر آیه‌ی صدقات<sup>(۶۰)</sup> می‌پردازد و می‌گوید:

پرداخت صدقات به امام بر هر مؤمنی واجب است هر چند این امام جائز و ستمکار باشد.<sup>(۶۱)</sup>

### نتیجه

در اواخر قرن سوم و هم‌زمان با قیام فاطمیان، افریقیه و مغرب از نظر اقتصادی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود و بحران اقتصادی همه‌جانبه فراگیر شده بود. این بحران بیش‌تر در افریقیه و در مناطق تحت نفوذ اغلیبان بود؛ همان مناطقی که ابوعبدالله شیعی عمده‌ی فعالیت‌های خود را در آن قرار داده بود.

بحران اقتصادی، بر نظام پولی و مسکوکات ضربه‌ی شدیدی وارد کرد. وضعیت نامناسب پولی موجب شورش‌ها و بحران‌های متعددی شد که مشهورترین آن‌ها شورش دراهم در سال ۲۷۴ قمری بود.

بر اثر وضعیت نامطلوب اقتصادی، جامعه‌ی افریقاییه دست‌خوش تغییرات اقتصادی مهمی شد. در بین طبقاتی که از این وضعیت ناراضی بودند زمینه‌ی مساعدی برای تبلیغات فاطمیان فراهم گشت.

در مقابل این وضعیت نامطلوب اقتصادی، فاطمیان در دوران دعوت و قیام، روش‌های مالی و اقتصادی خاصی را برای جذب بربرها در پیش گرفتند. آن‌ها شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری خراج اغلبیان را نفی و اعلام کردند که اخذ و پخش مالیات فقط بر اساس کتاب الله خواهد بود. از اقدامات دیگر آنان، که در جلب قلوب عامه مؤثر بود، برقراری امنیت اقتصادی در مناطق تحت کنترل بود. آنان موفق شدند امنیت را، حتی در مناطق دور از مرکز قیام که در گذشته ناامنی در آن حاکم بود، برقرار کنند. این عمل موجب گسترش ارتباط تجاری و تسریع در حرکت اقتصادی در افریقاییه شد.

اموال و خزاین فاطمیان تأثیر بسزایی در استمرار قیام گسترده‌ی فاطمیان در افریقاییه و مغرب داشت. اموال و دارایی‌هایی که فاطمیان در دوران دعوت در اختیار داشتند از طرق مختلف به دست می‌آمد؛ از جمله: پرداخت خمس اموال، پرداخت مالیات شرعی به نام «دینار الهجرة» و «دینار الفطره»، هدایایی که برای امام فاطمی فرستاده می‌شد، صدقات و غنائم. این سیاست مالی و اقتصادی فاطمیان در دوران دعوت و قیام، که برگرفته از اصول مساوات‌جویانه‌ی اسماعیلیان و قرامطه بود، زمینه‌ی مناسبی برای گرایش به فاطمیان فراهم آورد.



## پی‌نوشت‌ها:

۱. شمال آفریقا به چهار قسمت تقسیم می‌شود: برقه و طرابلس؛ اقلیم افریقیه، (تقریباً برابر با تونس فعلی و معروف به مغرب‌الادنی است)، مغرب‌الاوسط (معادل با الجزایر امروزی است) و مغرب‌الاقصى (تقریباً برابر با کشور مراکش است).
۲. به بیان ابن‌عذارى، کاهنه به یارانش می‌گفت: عرب از افریقیه طلا و نقره می‌خواهد و از آن جا ما مزارع و چراگاه‌ها می‌خواهیم. نظر من این است که بلاد افریقیه را تخریب کنیم تا اعراب از این جا مأیوس گردند و تا ابد هیچ وقت باز نگردند. (ابن‌عذارى، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس والمغرب*، ج ۱، ص ۳۶).
۳. همان.
۴. همان.
۵. ابو اسحاق الرقیق قیروانی، *تاریخ افریقیه و المغرب*، ص ۶۴ به بعد؛ ابن‌عذارى، همان، ج ۱، ص ۳۶ به بعد؛ احمد بن یحیی بلاذری، *فتوح البلدان*، تصحیح رضوان محمد، ص ۲۳۰ به بعد؛ ابن‌قتیبه‌الدینوری، *الامامة والسياسة المعروف بتاريخ الخلفاء*، الجزء الثاني، ص ۶۶ به بعد.
۶. ناشناخته، *اخبار مجموعه*، ص ۳۷ - ۳۸. برای آگاهی بیش‌تر از اعمال بلج بن بشر رک: ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی‌شیری، ج ۳، ص ۳۸۸ - ۳۹۱؛ عبد‌القادر بن بدران، *تهذیب ابن‌عساکر*، ج ۳، ص ۲۹؛ احمد بن یحیی بن عمیره الضبی، *بغیة الملتئم فی جذوة المقتبس فی ذکر ولایة الاندلس*، تحقیق محمد بن تاویت الطنجی، ص ۱۷۰.
۷. ابن‌عذارى، همان، ج ۱، ص ۶۹ - ۷۱.
۸. همان، ص ۷۰؛ الرقیق القیروانی، همان، ص ۷۸.
۹. احمد بن خالد الناصری السلاوی، *الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصى*، تحقیق جعفر و محمد الناصری، ج ۱، ص ۱۱۲.
۱۰. ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری اندلسی، *المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب*، تحقیق دوسلان، ص ۲۲ - ۲۵.
۱۱. ابن‌عذارى، همان، ص ۷۲ - ۷۳.
۱۲. همان، ص ۸۲؛ الرقیق قیروانی، همان، ص ۱۲۱.
۱۳. ابن‌عذارى، همان، ج ۱، ص ۷۸.

۱۴. همان، ص ۸۶-۸۷.
۱۵. عصام‌الدین عبدالروف القفی، *تاریخ المغرب و الاندلس*، ص ۱۳۲.
۱۶. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۸۹؛ علی بن محمد بن فاسی ابن ابی زرع، *اتیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس*، تحقیق محمد هاشمی فیلاتی، ص ۶۴-۹۸.
۱۷. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، *البلدان*، ص ۱۰۷-۱۰۸.
۱۸. القفی، همان، ص ۱۳۳.
۱۹. ابن ابی زرع، همان، ص ۶۸-۹۸.
۲۰. ابن خلدون در مورد وضعیت پایانی دولت‌ها می‌گوید: در اواخر دولت‌ها تجاوز و ستمگری و بدرفتاری با رعایا معمول می‌گردد. در این مرحله میزان خراج‌ها تقلیل و قحطی و گرسنگی و مرگ و میر افزایش می‌یابد. علت قحطی آن است که اغلب مردم دست از کشاورزی بر می‌دارند؛ چه در این مرحله یعنی اواخر دولت‌ها به اموال مردم از راه خراج‌های گوناگون تجاوز می‌شود یا به علت فرسودگی و پیری دولت، سرکشان شورش می‌کنند و فتنه‌ها و آشوب‌ها پدید می‌آید که رعایا آواره می‌شوند و کار کشاورزی نقصان می‌پذیرد.
- مرگ و میر بسیار در اواخر دولت‌ها موجبات گوناگونی دارد؛ از جمله قحطی زدگی. چنان که یاد کردیم یا به سبب تزلزل اوضاع دولت‌ها فتنه‌ها و آشوب‌ها روی می‌دهد و فساد و هرج و مرج و کشتار فزونی می‌یابد. (عبدالرحمن ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲).
۲۱. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱.
۲۲. همان، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ فرحات دشرای، *الخلافة الفاطمية بالمغرب*، ص ۲۴.
۲۳. مورخان اشاره‌ای به علل بحران نکرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت در این دوره، نظام پولی فاسد شده بود و مظاهر آن فساد را می‌توان این گونه خلاصه کرد:
- الف) سیاست پولی نادرست که حکام با کاهش وزن و عیار سکه‌ها در پیش گرفتند و آن هم احتمالاً به علت کاهش معادن طلا و نقره، یا کاهش واردات طلا و نقره بود؛ زیرا همان طور که بیان شد اکثر طلاها از بلاد سودان می‌آمد؛
- ب) بالا بردن ارزش پولی، بیش از آنچه واقعیت داشت، و هم‌زمان ضرب سکه و پولی که وزن و عیار آن کاهش پیدا کرده بود در صورتی که ارزش پولی گذشته را هم چنان دارا بود؛
- پ) کاهش درهم و نقره و توسعه‌ی سکه‌های مسین.

۲۴. ابوحنیفه قاضی نعمان، *افتتاح الدعوة*، تحقیق وداد القاضی، ص ۱۴۱.
۲۵. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲۶. همان جا.
۲۷. همان، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.
۲۸. همان، ص ۱۴۳.
۲۹. همان جا.
۳۰. همان جا.
۳۱. قاضی نعمان، همان، ص ۱۴۱.
۳۲. موسی اقبال، *دورکتابه فی تاریخ الخلافة الفاطمية منذ تاسيسها الى منتصف القرن الخامس الهجرى*، (۱۱م)، ص ۲۴۵.
۳۳. همان، ص ۲۵۲.
۳۴. قاضی نعمان، همان، ص ۱۳۱.
۳۵. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۲۱۶ به بعد؛ ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۲۵۲ به بعد.
۳۶. شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب نویری، *نهاية الارب في فنون الادب*، تحقیق محمد جابر عبد العال الحینی و دیگران، ج ۲۵، ص ۱۹۲ - ۱۹۵.
۳۷. قاضی نعمان، همان، ص ۲۴۶؛ تقی الدین مقریزی، *اتعاظ الحنفاء*، تحقیق جمال الدین الشیال، ج ۱، ص ۶۷.
۳۸. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۱۶۴ به بعد.
۳۹. همان، ص ۱۵۸.
۴۰. قاضی نعمان، همان، ص ۲۶۱.
۴۱. محمد بن محمد الیمانی، *سيرة الحاجب جعفر*، تصحیح ایوانف، ص ۵۱ به بعد.
۴۲. همان، ص ۱۰۸؛ ادريس عماد الدين قرشي، *عيون الاخبار و فنون الآثار*، تحقیق مصطفی غالب، ج ۴، ص ۴۲.
۴۳. محمد بن محمد الیمانی، همان، ص ۱۰۹.
۴۴. جعفر حاجب گوید: امام گودالی حفر کرده بود و اموال را در آن قرار داده بود و سقف آن محل را با گچ پوشانده بود و بر روی آن، جوی آبی روان کرده بود و آب در تابستان و زمستان از روی آن عبور می کرد. (محمد بن محمد

- الیمانی، ص ۱۱۳).
۴۵. محمد بن محمد الیمانی، همان، ص ۱۱۳.
۴۶. ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۱۸.
۴۷. ابن عذارى، همان، ج ۱، ص ۱۳۹.
۴۸. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی.
۴۹. قاضی نعمان، الهمة فی آداب اتباع الائمة، تحقیق کامل حسین، ص ۶۶-۷۳.
۵۰. محمد بن محمد الیمانی، همان، ص ۲۸۰-۲۸۳. درباره‌ی اموالی که داعیان از جزایر مختلف به طرف منصوریه می‌فرستادند، رک: قاضی نعمان، المجالس والمسایرات، تحقیق الحبيب الفقی و دیگران، ص ۴۲۵-۴۴۷، ۴۷۵ و ۴۸۱.
۵۱. قاضی نعمان، الهمة فی آداب اتباع الائمة، ص ۶۹-۷۱.
۵۲. نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۲۵، ص ۱۹۳؛ ابوبکر الدواداری، کنز الدرر و جامع الفرر، تحقیق صلاح الدین المنجد، ج ۶، ص ۴۹.
۵۳. برای اطلاع از نظام مالیاتی اسماعیلیان و قرامطه رک: مقریزی، انعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۲۱۱.
۵۴. درهم الفطرة که بین اسماعیلیان بوده غیر از زکاة الفطره‌ای است که هم در فقه شیعه و هم اهل سنت آمده است.
۵۵. مقریزی، همان، ج ۱، ص ۲۱۹.
۵۶. همان، ص ۲۱۹؛ قاضی نعمان، افتتاح الدعوة، ص ۱۷۳.
۵۷. قاضی نعمان، افتتاح الدعوة، ص ۱۲۷.
۵۸. همان‌جا.
۵۹. ابو علی منصور عزیزى الجودرى، سيرة الاستاذ جوذر، تصحيح محمد كامل حسين و م. عبد الهادى شعيره، ص ۱۴۷؛ قاضی نعمان، المجالس والمسایرات، ص ۲۹۱، ۴۹۹ (الطبعة الاولى).
۶۰. توبه (۹)، آیه ۶۰.
۶۱. قاضی نعمان، الهمة فی آداب اتباع الائمة، ص ۶۸-۶۹.

## منابع:

- ابن ابی زرع، علی بن محمد بن فاسی، *انیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس*، تحقیق محمد هاشمی فیلالی، (مراکش، المطبعة الوطنية، ۱۹۳۶م).
- ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی شیری.
- ابن بدران، عبدالقادر، *تهذیب ابن عساکر*، (دمشق، المكتبة العربية، ۱۳۵۱ق).
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون*، (بیروت، مؤسسة الاعلمی المطبوعات، بی تا).
- ابن عذارى المراكشى، *البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، تحقیق ج. س. کولان و ا. لیفی بروقنسال، (بیروت، دارالثقافه، بی تا).
- اقبال، موسی، *دورکنامه فی تاریخ الخلافة منذ تأسسها الى منتصف القرن الخامس الهجرى (۱۱م)* (الجزایر، الشركة الوطنية النشر و التوزیع، ۱۹۷۶م).
- البکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز، *المغرب فی ذکر بلاد افريقية و المغرب*، تحقیق دوسلان، (بغداد، مکتبه المثنی، بی تا).
- البلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، تصحیح رضوان محمد رضوان، (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م).
- الجوزری، ابوعلی منصور عزیزى، *سیرة الاستاذ جوذری*، تصحیح محمد کامل حسین و م. عبدالهادی شعیره، (قاهره، بی تا، ۱۹۴۵م).
- دشرای، فرحات، *الخلافة الفاطمية بالمغرب*، (بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۴م).
- الدواداری، ابوبکر بن عبدالله بن ایبک، *کنز الدرر و جامع الغرر*، (الدره المضیة فی اخبار الدولة الفاطمية)، جزء السادس، تحقیق صلاح المنجد، قسم الدراسات الاسلامی بالمعهد الالماني لأنثار بالقاهرة، (قاهره، بی تا، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م).
- الدینوری، ابن قتیبه، *الامامة و السياسة*، (قاهره، مکتبه مصطفى البابی الحلبي، ۱۹۶۹م).
- الرقیق قیروانی، ابواسحاق، *تاریخ افريقية و المغرب*، تحقیق عبدالعلی الزیدان، عزالدین عمر موسی، (بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م).
- الضبی، احمد بن یحیی بن عمیده، *بغیة الملتمس فی جذوة المقتبس فی ذکر ولاة الاندلس*، تحقیق محمد بن

تاويت الطنجي، (قاهره، بي نا، ١٩٥٢م).

- عمادالدين القرشي، ادريس، *عيون الاخبار و فنون الآثار*، تحقيق مصطفى غالب، (بيروت، دارالاندلس، ١٤٠٦ق/١٩٨٦م).

- قاضى نعمان، ابوحنيفه، *افتتاح الدعوة*، تحقيق و داد القاضى، (بيروت، دارالثقافه، ١٩٧٠م).

- \_\_\_\_\_، *المجالس والمسائرات*، تحقيق الحبيب الفقى و ديكران، (تونس، الجامعة التونسيه، ١٩٧٨م).

- \_\_\_\_\_، *الهممة فى آداب اتباع الانمه*، تحقيق محمد كامل حسين، (قاهره، دارالفكر العربى، بي نا).

- \_\_\_\_\_، *دعائم الاسلام*، تحقيق آصف بن على اصغر فيضى، (قاهره، دارالمعارف، ١٩٦٣م).

- الفقى، عصام الدين عبدالرؤف، *تاريخ المغرب و الاندلس*، (قاهره، بي نا، ١٩٨٠م).

- المقرئى، تقى الدين، *اتعاظ الحنفاء باخبار الانمه الفاطميين الخلفاء*، تحقيق جمال الدين الشيبان، (بي جا، وزارة الاوقاف، ١٤١٦ق/١٩٩٦م).

- الناصرى السلاوى، احمد بن خالد، *الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصى*، تحقيق جعفر و محمد الناصرى، (بي جا، الدار البيضاء - دار الكتاب، ١٩٤٥م).

- ناشناخته، *اخبار مجموعه فى فتح الاندلس و ذكر امرائها رحمهم الله و الحروب الواقعة بها بينهم*، (دمشق، منشورات دار اسامه، بي تا).

- النويرى، شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الارب فى فنون الادب*، تحقيق محمد جابر عبدالعال الحينى، جلد ٢٥، (قاهره، المكتبة العربية، ١٤٠٤ق/١٩٨٦م).

- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، *البلدان*، (نجف، المكتبة المرتضوية، ١٩١٨م).

- اليمانى، احمد بن محمد، *سيرة الحاجب جعفر*، تصحيح ايوانف، مجلة كلية الآداب بالجامعة المصرية، (مجلد ٤، جزء ٢)، (قاهره، بي نا، ١٩٣٦م).